

صحرای زندگانی، در دست ما اسیر است  
بی سبزه بی شکوفه، مانند یک کویر است (۲)  
باید پیروورانیم، گل های با صفا را  
در دست خود بگیریم، هر دست آشنا را (۲)  
مثل درخت باید، ما ایستاده باشیم  
سرسبز و با محبت، زیبا و ساده باشیم (۲)  
باید که سادگی را، با تار و پود جان بافت  
معنای زندگی، را این گونه می توان یافت  
شهر بهشت همچون، خورشید می درخشد  
در قلب مردمانش، امید می درخشد (۲)  
بگذار تا ببارد، یک آسمان محبت  
بر قامت دل ما، شادی - نشاط و رحمت